

شرح حال امام بُستی و کتابش «صحیح ابن حبان»

نکارنده: عبدالناصر امینی*

چکیده

عالم فاضل، محقق، محدث، شیخ خراسان، علامه ابو حاتم محمد بن حبان، از شخصیت‌های ماندگار و مفاخر سرزمین اسلامی ما افغانستان بوده است، که با دانش، اندیشه، آثار و خدمات علمی خود، روزگاری مرجع خلاق گردیده و نور فیضش بر بسیاری تابیده است. وی صاحب آثاری گران‌سنگ از جمله «صحیح ابن حبان» است، که در شمار کتاب‌های صحیح حدیث نبوی جای گرفته است؛ اما متأسفانه امروزه در دیار ما کم‌تر کسی از شرح حال وی شناختی دارد و آثارش نیز در محافل و مراکز علمی ما نمودی ندارد. به همین لحاظ تحقیق پیش رو، که به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌یی شکل گرفته، در پی معرفی این عالم گران‌قدر و آثار گران‌بهایش بوده است، تا با بیان زنده‌گانی و معرفی آثارش گامی در جهت احیای مفاخر و میراث علمی ماندگار این مرزوبوم بردارد.

برآیند این پژوهش می‌رساند که: محمد بن حبان بستی از سلاله عربی بوده و در اواخر سده دوم هجری در شهر بُست - لشکرگاه فعلی - هلمند افغانستان متولد شده است. وی با زحمات فراوان و سفرهای بی‌شمار، علم و دانش وافری اندوخته و نهایتاً در حوزه خراسان بزرگ مرجع علمی، اجتماعی و تربیتی خلاق گشته است. ابن حبان آثار فراوانی در حوزه‌های رجال‌شناسی، علوم حدیث، علوم قرآن و تزکیه و تربیت داشته، که متأسفانه نامهری و بی‌توجهی مردمان روزگار، زمینه نابودی آن‌ها را فراهم کرده است.

واژه‌گان کلیدی: بُستی، صحیح ابن حبان، زنده‌گانی و آثار.

* عضو هیئت علمی پوهنتون غالب هرات (m.abdulnaseramini@gmail.com)

مقدمه

همواره در گذر تاریخ، در جای جای دنیا، شخصیت‌هایی سربرآورده‌اند، که به عنوان عناصر مفید راه‌نمایی و راهبری ملت‌ها و جوامع را به دوش گرفته‌اند. مردمان افغانستان نیز در هر مقطع تاریخی، نوابغی به جوامع بشری تحویل داده‌اند، که بیان شرح حال و زنده‌گانی آنان، راه‌نمایی مفید و درسی مانده‌گار برای نسل روزگار ما است، تا با تأسی از آن رادمردان، مسیر تعالی و ترقی را برای خود و دیگران هم‌وار سازند. نوشته حاضر، تلاش می‌کند با معرفی یکی از مفاخر افغانستان زمین، به نام علامه ابن حبان بُستی، گامی در مسیر احیای میراث جاویدان این خاک برداشته و برای نسل جوان آن، الگویی مفید معرفی نماید.

نویسنده با تتبع و تفحص در کتاب‌ها و مقاله‌ها، با نوشته‌هایی اندک و ناچیز به زبان فارسی به حیث پیشینه پژوهش که مرتبط با موضوع باشد، برخورد کرده است؛ به‌همین علت از منابع عربی استفاده کرده، از جمله: کتاب «الإمام الحافظ أبو حاتم محمد بن حبان البستی فیلسوف الجرح والتعديل» اثر محمد عبدالله ابو صعلیک، که در دمشق: دار القلم، به سال ۱۴۱۵ق به نشر رسیده است. این کتاب ۲۰۸ صفحه‌یی در دو فصل به بیان شرح حال، معرفی آثار و جای‌گاه امام ابن حبان بُستی در علم جرح و تعدیل پرداخته است.

«الإمام محمد بن حبان البستی ومنهجه فی الجرح والتعديل»، نوشته عذاب بن محمود خمیس، که در سال ۱۴۰۵ق به منظور اخذ درجه ماستری تعلیمات اسلامی (قرآن و سنت) دانشگاه ام‌القرای مکه مکرمه دفاع شده است. این رساله نیز به‌گونه تفصیلی زنده‌گانی امام ابن حبان، آثار و خدمات وی را در حوزه رجال‌شناسی و جرح و تعدیل بیان کرده است.

نیز از دو مقدمه تفصیلی، که یکی به قلم شعیب ارناؤوط بر «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» و دیگری به قلم احمد محمد شاکر بر «صحیح ابن حبان» نگاشته شده و به بیان شرح حال و زنده‌گانی امام بُستی و معرفی کتاب صحیحش پرداخته، استفاده کرده است.

هدف این تحقیق، که به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌یی شکل گرفته، این است که: شخصیت بارز علامه ابن حبان بُستی و آثار گران‌بهایش را معرفی کند و گامی در جهت احیای مفاخر و میراث علمی مانده‌گار این کشور بردارد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: محمد بن حبان بُستی از سلاله عربی بوده و در اواخر سده دوم هجری در شهر بُست - لشکرگاه - هلمند افغانستان متولد شده است. وی با زحمتهای فراوان و سفرهای بی‌شمار، علم و دانش وافر اندوخته و نهایتاً در حوزه خراسان بزرگ مرجع خلاق گشته است. ابن حبان آثار فراوانی در حوزه‌های رجال‌شناسی، علوم حدیث، علوم قرآن و تزکیه و تربیت داشته، که متأسفانه نامهری و بی‌توجهی مردمان روزگار زمینه نابودی آن‌ها را فراهم کرده است؛ و

امروز جز مواردی اندک، چیزی از آن‌ها در دست‌رس نیست؛ اما نیاز است که نسل نو کشور همت گمارد و این دُرهای پنهان را احیا کند تا بتواند با الگوبرداری از سیرت و استفاده از آثار آنان، چراغ راهی در مسیر خود و آینده‌گان بیفزورد.

شرح حال امام ابن حبان بُستی

نام و نسب

وی امام، عالمِ فاضل، محقق، حافظ، محدث، مُجَوِّد، شیخ خراسان، علامه محمد بن حبان بن احمد بن حبان بن معاذ بن معبد (آملی؛ ۱۴۰۸ق: ۶۴)، بن سعید بن شهید بن هدبة بن مرة بن سعد بن یزید بن مرة بن زید بن عبدالله بن دارم بن مالک بن زید مناة بن تمیم بن مر بن اذ بن طابخة بن إلیاس بن مُضَر بن نزار بن معدّ بن عدنان التیمی البستی. مشهور به ابن حبان است؛ و کنیه‌اش ابوحاتم می‌باشد (ذهبی؛ ۱۴۱۹ق: ۸۹/۳).

وی از سلالهٔ عرب و به قبیلهٔ تمیم منسوب است (ارناؤوط؛ ۱۴۰۸ق: ۷/۱) و نیز در رابطه با نسب ایشان گفته شده عربی‌الأصل است و نسبش به الیاس بن مضر می‌رسد؛ در برخی روایات به دارم و تمیم بن مُر منسوب گردیده است (کردعلی؛ ۱۳۶۹ق: ۱۴۸).

ولادت و زادگاه

تاریخ دقیق ولادت امام ابن حبان، مشخص نیست، جز آن‌چه امام ذهبی گفته است: «سال دوصد و هفتاد و اندی» (ذهبی؛ ۱۴۰۵ق: ۹۳/۱۶). زادگاه ایشان شهر بُست (لشکرگاه فعلی) بوده است. واژهٔ بُست در زبان فارسی به معنی جایی است که میوه‌های خوش‌بو در آن‌جا بسیار باشد (معین؛ ۱۳۸۸: ۴۲۴/۱)، و شهر بست نیز هم‌واره سرسبز، کوهستانی و حاصل‌خیز بوده و شاید همین سبب نام‌نهادن آن به بست گردیده است.

بُست یا لشکرگاه، مرکز ولایت هلمند است، که در جنوب‌غرب افغانستان موقعیت دارد و از وسیع‌ترین ولایات این کشور به شمار می‌آید. این ولایت از طرف شمال با ولایت غور، از جنوب با بلوچستان پاکستان، از شرق با ولایات دایکندی، ارزگان و کندهار و از طرف غرب با ولایات فراه و نیمروز هم‌سرحد می‌باشد. یاقوت حموی در معجم البلدان، بُست را بین سجستان (زرنج)، غزنین و هرات می‌داند (حموی؛ ۱۹۹۵م: ۴۱۴/۱). بست در سال ۴۳ هجری در عهد خلافت عمر بن الخطاب (رضی‌الله‌عنه) توسط فرماندهٔ فاتح عبدالرحمن بن سمره (رضی‌الله‌عنه) فتح شده و در قلمرو اسلام داخل شد. (ابن اثیر؛ ۱۴۱۷ق: ۵۰۶/۳).

تحصیلات و سفرهای علمی

امام ابن حبان در ایام کودکی، مبانی دینی و مقدمات علوم متداوله اسلامی را در زادگاهش بُست نزد دو عالم بزرگ منطقه، به نام‌های شیخ قاضی اسحاق بن ابراهیم بُستی و شیخ محمد بن عبدالله بن جنید فراگرفت (حموی؛ ۱۹۹۵م: ۱ / ۴۱۵). وی سفرهای علمی خود را از آغاز سده سوم هجری قمری، که بیست سال سن داشت، آغاز کرده و به بیش از چهل شهر از بلاد اسلامی سفر کرد و نزد بیش از دو هزار استاد و شیخ زانوی تلمذ زد (ارناؤوط؛ ۱۴۰۸ق: ۱ / ۷).

وی در مقدمه کتابش «المسند الصحيح علی التقاسیم والأنواع» گفته است: «شاید ما از شهر اسپنجاب (شهری در قزاقستان امروزی) تا اسکندریه، از بیش از دو هزار استاد حدیث کسب کرده و یادداشت کرده باشیم» (همان: ۱ / ۷). شاید این سخن مقداری مبالغه‌آمیز به نظر آید، اما با کاوش در آثار و تألیفات امام ابن حبان، درمی‌یابیم، شیوخ و استادانی که وی از آنان حدیث روایت کرده، اگر گردآورده شده و شمارش گردد، قطعاً از این عدد نیز بیش‌تر خواهد بود. شیخ شعیب ارناؤوط محقق صحیح ابن حبان، برخی از شهرها، که امام بستی جهت دریافت حدیث سفر کرده را ذکر کرده، از جمله: سجستان، هرات، مرو، سُغد، شاش (تاشکند کنونی)، بخارا، نَسّاء، نیشابور، گرگان، طهران، اَرغیان، کرج، اهواز، بصره، بغداد، کوفه، موصل، نَصیبین، رقه، انطاکیه، طرطوس، حمص، دمشق، بیروت، رمله و بیت‌المقدس (همان: ۱ / ۱۰).

خداوند متعال، همت بلندی به ابن حبان عنایت کرده بود و او برای کسب مهارت‌های علمی مختلف و فراگیری فنون رایج عصر و زمان خود، در حوزه‌های علم حدیث، فقه، اصول فقه و استنباط احکام، زبان و ادبیات عرب، علم کلام، علم طب، فلکیات و ... تلاش بی‌دریغ کرد و نهایتاً خود را به قله‌های شامخ علوم و فنون رساند.

استادان

امام ابن حبان بُستی، دانش‌مندی کوچنده، کثیرالسفر و جویای دانش بود و چنان‌که قبلاً گفته شد، در هر شهر و دهی که از محدثی قابل اعتماد، یا فقیهی بزرگ نشانی می‌یافت، به محضر او شتافته و کسب فیض می‌کرد. بیان شرح حال و یا نام‌بردن تمامی استادان و مشایخ وی، دشوار است و حسب تحقیق نگارنده تا کنون رقیمه‌یی که همه استادان ابن حبان را گردآورده باشد فرصت نگارش نیافته، گرچه یاقوت حموی در معجم البلدان بسیار کوشیده و تعداد زیادی از استادان ابن حبان و دیارشان را به تفصیل بیان کرده است، لکن خودش اقرار می‌کند که جامع نیست و در فرجام مطلب می‌گوید: «و جماعت بی‌شمار دیگر که از همین طبقه و از مشایخ [ابن حبان] هستند» (حموی؛ ۱۹۹۵م: ۱ / ۴۱۶)؛

اما با توجه به برخی از نوشته‌ها، که در رابطه با مشایخ کتاب صحیح و سایر آثار ابن حبان نوشته شده، می‌توان به برخی از استادان مشهور وی با ذکر دیار محل اقامت شان، اشاره کرد، از جمله: **بُست:** قاضی اسحاق بن ابراهیم بُستی، محمد بن عبدالله بن جنید بستی و محمد بن عمر بن عبّاد؛ **هرات:** ابوبکر محمد بن عثمان بن سعد دارمی و محمد بن هاجک هروی؛ **مرو:** عبدالله بن محمود بن سلیمان سعدی مروزی و احمد بن محمد بن بشر شافعی؛ **گرگان:** حافظ عبدالملک بن محمد بن عدی گرگانی؛ **ری:** عبدالرحمن بن محمد حماد طهرانی، علی بن حسن بن مسلم اصبهانی و مهران بن هارون؛ **سمرقند:** ابراهیم بن نصر عنبری و احمد بن خلف بن عبدالله سمرقندی؛ **نَسّا:** حافظ حسن بن سفیان شیبانی و محمد بن احمد بن ابو عون ریانی؛ **نیشابور:** امام حافظ محمد بن اسحاق بن خزیمه، حافظ محمد بن اسحاق بن ابراهیم ثقفی سرّاج و ابراهیم بن اسحاق انماطی زاهد؛ **حجاز:** امام العلم حافظ محمد بن ابراهیم بن منذر نیشابوری (ساکن مکه)، امام مفضل بن محمد بن ابراهیم جندی، احمد بن محمد بن زیاد بن اعرابی و محمد بن احمد بن حماد دولابی؛ **بغداد:** حامد بن محمد بن شعیب کجی بلخی، عبدالله بن سلیمان بن ابو داود سجستانی و هیثم بن خلف دوری؛ **بصره:** ابو خلیفه فضل بن حباب جُمّحی، حافظ زکریا بن یحیی ساجی و محمد بن الحسین بن مکرم بزار؛ **موصل:** ابو یعلی احمد بن علی بن مثنی، ابراهیم بن علی بن عبدالعزیز عمری و روح بن عبدالمجیب ابو صالح موصلی؛ **حرّان:** ابو عروبه حسین بن محمد بن مودود حرانی و عبدالله بن محمد ناجیه؛ **طرطوس:** ابراهیم بن ابو امیه طرطوسی و محمد بن یزید رقی؛ **انطاکیه:** حافظ وصیف بن عبدالله العطار اشروسی و احمد بن ابراهیم بالسی؛ **دمشق:** احمد بن عمیر بن جوصا و حاجب بن محمد ارکین فرغانی؛ **عسقلان:** حافظ محمد بن حسن بن قتیبه و... (خمیس؛ ۱۴۰۵ق: ۱۵۶). کثرت استادان ابن حبان بیان‌گر سفرهای بی‌شمار وی و تحمل مشقت‌های فراوانی است که در راه کسب دانش و تحصیل علوم اسلامی متحمل شده و در این مسیر از هیچ کوششی فروگذار نکرده است.

شاگردان

ابن حبان بُستی، در ایام تصدی منصب قضاء در سمرقند و نیز در خانقاهی که در نیشابور اساس گذاشته بود و دوره چهارده ساله اقامت در بُست، در مدرسه‌یی که برای شاگردان و یاران حلقه علمی خود ساخته و به تدریس اشتغال داشت، مرجع بسیاری از روایان، حافظان حدیث و پیش‌وایان مذهبی خراسان بزرگ در اواخر نیمه اول سده سوم هجری بود و خلق بی‌شماری از خوشه‌چینان خرمن علم و دانش او بوده و از روایان آثار گران‌سنگش هستند (ذهبی؛ ۱۴۲۷ق: ۱۶ / ۹۴). گرچه شاگردان

ایشان بی حد و حصرند، اما از شمار آنان که از علمای بزرگ و حافظان مشهور حدیث هستند، افراد ذیل را می توان نام برد:

امام، حافظ ابو عبدالله محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، صاحب «المستدرک علی الصحیحین»؛ امام، حافظ، محدث اسلام ابو عبدالله محمد بن ابو یعقوب عبدی اصبهانی، صاحب «معرفة الصحابة»؛ امام، حافظ ابو الحسن علی بن عمر دار قطنی، صاحب «سنن دار قطنی»؛ حافظ ابو علی منصور بن عبدالله دُهلّی هروی؛ مصنف بزرگ و ادیب چیره دست ابو عمر محمد بن احمد نَوَقانی؛ محدث ابو الحسن محمد بن احمد زوزنی (ارناؤوط؛ ۱۴۰۸ق: ۱ / ۲۶-۲۷). حافظ ابو عبدالله محمد بخاری؛ حافظ ابو سعد عبدالرحمن استرابازی؛ ابو عبدالله محمد بن احمد خشنام شروطی؛ جعفر بن شعیب سمرقندی؛ حسن بن منصور اسبیجایی؛ حسن بن محمد سهل فارسی (رمزی؛ ۴۲۶ق: ۳۰۳)؛ و خلق بی شمار دیگری که ذکر نام آن ها در این مجال نمی گنجد.

آثار علمی

از دیرباز گفته اند که فضیلت و کمال یک شخص با دو وسیله باقی و مانده گار می شود: یکی شاگردان و دیگری آثار علمی؛ از شاگردان امام ابن حبان سخن به میان آمد و نام نامی برخی از آن بزرگواران را ذکر کردیم و برای شرح بیش تر خواننده گان گرامی می توانند به کتاب های تراجم / زنده گی نامه ها مراجعه نمایند؛ اما آثار علمی مانده گار این امام همام بسیارند و ایشان از مکثرین مصنفان به حساب می آید. علامه قفطی می گوید: «از دیرباز مردمان به قصد تصانیف ابن حبان به خراسان سفر می کرده اند» (قفطی؛ ۱۴۰۶ق: ۳ / ۱۲۲). یاقوت حموی در معجم البلدان تعداد آثار ابن حبان را چهل و دو اثر ذکر کرده و شیخ محمد عبدالرزاق حمزه در مقدمه «موارد الزمّان» از هیثمی، پنجاه و نه اثر گفته است (ابو صعیلیک؛ ۱۴۱۵ق: ۴۸).

تألیفات ابن حبان را در مجموع می توان به دو دسته تقسیم کرد؛ نسخه های خطی بی که چاپ و تحقیق نشده و متأسفانه موجود نیست؛ و دسته دوم، کتاب هایی که در دسترس بوده و بارها تحقیق، شرح، ترتیب بندی و چاپ شده و امروزه در بازارهای کتاب نیز موجود است. استاد عبدالله محمد ابوصعیلیک نام چهل و چهار اثر از نسخه های خطی و نایاب را در کتابش «الإمام الحافظ أبو حاتم محمد بن حبان البستی فیلسوف الجرح والتعديل» ذکر کرده، که این جا به برخی اشاره می کنی م: کتاب الصحابة (پنج جزء)؛ کتاب التابعین (دوازده جزء)؛ کتاب أتباع التابعین (پانزده جزء)؛ کتاب تبع الأتباع (سیزده جزء)؛ کتاب تُباع التبع (بیست جزء)؛ کتاب الفصل بین النقلة (ده جزء)؛ کتاب علل أوهام أصحاب التواریخ (ده جزء)؛ کتاب علل حدیث الزهری (بیست جزء)؛ کتاب علل حدیث مالک بن انس (ده جزء)؛ کتاب الفصل والوصل (ده جزء)؛ کتاب آداب الرحالة (دو جزء)؛ کتاب ما انفرد

به أهل المدينة من السنن (ده جزء)؛ کتاب ما انفرد به أهل مكة من السنن (پنج جزء)؛ کتاب ما انفرد به أهل خراسان (پنج جزء)؛ کتاب ما انفرد به أهل العراق من السنن (ده جزء)؛ کتاب الجمع بين الأخبار المتضادة (دو جزء)؛ کتاب غرائب الأخبار (بیست جزء)؛ کتاب ما أغرب الكوفيون على البصريين (ده جزء)؛ کتاب من يعرف بالأسامي (سه جزء) و... (همان: ۵۰-۵۱) این نسخه‌های خطی در حجمی از یک تا سی جزء نوشته شده و جمعاً بیش از چهارصد جزء است. بیش‌تر این آثار به صحابه، تابعان، اتباع آنان، مناقب ائمه، جرح و تعدیل احادیث، رجال و راویان، غرائب اخبار کوفیان و بصریان و... اختصاص یافته است.

۱ ما آثار مطبوع امام ابن حبان علی‌رغم کثرت تألیفات وی، بسیار محدود و از تعداد انگشتان یک دست فراتر نرفته است؛ اسامی این کتاب‌ها به شرح ذیل است:

۱. الثقات: این کتاب که در رابطه با شرح حال راویان و جرح و تعدیل آنان نگارش یافته، بارها در هند و لبنان در نه جلد به چاپ رسیده و اخیراً توسط انتشارات دائرة المعارف حیدر آباد دکن چاپ و توزیع شده است؛

۲. المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین: امام ابن حبان در این کتاب به ذکر راویانی پرداخته که مورد نقد قرار گرفته اند و روایات شان قابل پذیرش نیست؛ باری این کتاب با تعلیقات دار قطنی، در دو جلد در هند چاپ شد و نسخه‌ی دیگری با تحقیق استاد محمود ابراهیم زاید در حلب سوریه به چاپ رسید.

نکته قابل ملاحظه این که این کتاب توسط برخی از دانش‌مندان و کارشناسان علم حدیث، نقد شده و برخی انتقادات و جرح مؤلف نسبت به راویان را نپذیرفته اند؛ علامه لکنوی می‌گوید: «ابن حبان در رابطه با جرح برخی افراد بسیار مبالغه کرده است» (لکنوی؛ ۱۴۲۸ق: ۱۷۹).

۳. مشاهیر علماء الأمصار: این کتاب شامل ۱۶۰۲ شرح حال و زنده‌گی‌نامه _ کوتاه و تفصیلی _ بزرگان و مشاهیر اسلام از عصر صحابه تا تبع تابعین است. مستشرق شهیر فلایش‌هامر در سال ۱۹۵۹م. این کتاب را منتشر کرد. و اخیراً با تحقیق و اضافات مجدی بن منصور بن سید شوری از دار الکتب العلمیه، بیروت چاپ و توزیع شد؛

۴. روضة العقلاء ونزهة الفضلاء: کتابی زیبا با محتوای تربیتی، اندرز و موعظه؛ این اثر تا کنون توسط سه نفر: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، محمد عبدالرزاق حمزه و محمد حامد الفقی تحقیق و بازنگری شده و در قاهره توسط انتشارات احمد ناجی الجمالی به چاپ رسیده است؛

۵. **المسند الصحيح على التقاسيم والأنواع، من غير وجود قطع سندها، ولا ثبوت جرح فی ناقلیها (معروف به صحيح ابن حبان):** در رابطه با این اثر به تفصیل بحث خواهد شد.

کاوشی پیرامون صحيح ابن حبان

آثاری که به حفظ و گردآوری احادیث نبوی پرداخته‌اند، بسیار و متنوع هستند؛ زیرا اهداف هر مؤلف و شیوه تألیف هر کتاب از دیگری متفاوت بوده است. کتاب‌های صحاح مثل صحيح بخاری، صحيح مسلم از جمله آثاری اند، که مؤلفان آن‌ها صحت روایات را شرط لازمی جهت ثبت و ضبط احادیث قرار داده اند. صحيح ابن حبان نیز از شمار همین نوع آثار صحاح است و عنوان کامل آن «المسند الصحيح على التقاسيم والأنواع، من غير وجود قطع فی سندها، ولا ثبوت جرح فی ناقلیها» می‌باشد و در میان علما به «التقاسيم والأنواع» یا «صحيح ابن حبان» شهرت یافته است. ابن حبان انگیزه تألیف این کتاب را در مقدمه آن ذکر کرده و کثرت طرق روایات، عدم شناخت کافی مردم از روایات صحيح، رواج نگارش احادیث موضوعی، حفظ و تثبیت روایات اشتباه و معکوس را از جمله دلایل روی آوردن به تألیف آن می‌داند (بستی؛ ۱۴۰۸ق: ۱ / ۱۰۲)؛ و تلاش می‌کند تا روایات صحیحی که متروک شده و از نگارش بازمانده را مجدداً ترویج نماید. در سطرهای آتی این اثر گران‌سنگ را به تفصیل معرفی خواهیم کرد:

۱. روش تألیف صحيح ابن حبان

با مطالعه و تفحص در کتاب صحيح ابن حبان متوجه می‌شویم، که امام بستی در گردآوری روایات و شرایطی که برای تثبیت صحت آن‌ها وضع کرده، ترتیب ابواب، بیان شرح حال روایان، اظهار دیدگاه‌های فقهی، اصولی، لغوی، بیان روایات اختلافی و دفع شبهات از آن‌ها، روشی مبتکرانه اختیار کرده، که طبعاً کتابش را نسبت به سایر کتاب‌های مشابه متمایز می‌کند. در این مطلب به صورت گذرا به برخی از نکات مذکور اشاره خواهیم کرد:

الف: ترتیب شگفت و مبتکرانه ابواب

محدثین در گردآوری احادیث نبوی و تألیف آثار خود، از روش‌های مختلفی کار گرفته و هر کدام روایات را به ترتیب خاصی در کتاب خود نگاشته اند؛ به عنوان مثال، امام بخاری در کتاب صحيحش، احادیث را به گونه ابواب گردآورده؛ برخی نیز به ترتیب مسانید صحابه روایات را جمع‌آوری کرده اند (یعنی تمامی روایت یک صحابی را به ترتیب در یک باب ذکر کرده و بعد روایات صحابی دیگر را

پی هم می آورند)، مثل مسند مشهور امام احمد بن حنبل؛ اما ابن حبان روش مبتکرانه دیگری اختیار می کند. سیوطی در کتاب «تدریب الراوی» درباره ترتیب کتاب ابن حبان گفته است: «صحيح ابن حبان ترتیبی نوآورانه دارد، نه به ترتیب ابواب است و نه بر اساس مسانید؛ به همین خاطر ابن حبان آن را «التقاسیم والأأنواع» نام نهاده است» (سیوطی؛ ۱۴۲۴ق: ۱ / ۱۴۸)؛ هم چنین ابن حبان در مقدمه کتاب صحیحش می گوید: «وقتی در رابطه با روایات صحیح اندیشیدم، متوجه شدم که جهت ایجاد سهولت برای حفظ شاگردان می توان تمامی روایات را در پنج بخش مساوی تقسیم بندی کرد:

۱. دستوراتی که خداوند بنده گانش را به آن ها امر نموده؛

۲. نواهی یی که خداوند بنده گانش را از آن بازداشته؛

۳. اخبار از اموری که شناخت آن ها ضروری است؛

۴. موارد مباحی که انجام آن ها جایز است؛

۵. افعالی که فقط به پیامبر صلی الله علیه وسلم اختصاص دارد.

و هر قسمت از این بخش های پنج گانه نیاز به انواع دیگری دارد، تا مبین دانش های مهمی باشد که کسی جز عالمان راسخ نمی تواند آن ها را درک کند...» (همان: ۱ / ۱۰۳). به همین ترتیب ذیل هر بخش، انواعی مرتبط با موضوع آورده و احادیث را با درج عنوان های خاص جمع آوری کرده است. من حیث المجموع تمامی انواع کتابش بالغ بر چهارصد نوع است.

ب: تراجم/عنوان های ابواب

منظور از تراجم، عنوان هر باب است، که بیان گر دیدگاه های فقهی و باورهای مؤلف کتاب می باشد؛ چنان که در رابطه با امام بخاری گفته شده که دیدگاه های فقهی وی از عنوان های ابواب کتابش صحیح بخاری دانسته می شود؛ دقیقاً این مسأله در رابطه با امام ابن حبان نیز صدق می کند. علامه مرحوم شیخ احمد شاکر از محققان صحیح ابن حبان گفته: «این عنوان ها بیان گر فقه ابن حبان و دانش به تمام معنای وی نسبت به سنت است» (شاکر؛ ۱۳۷۲ق: ۱ / ۱۷).

امام بستی با شیوه های مختلف آرا و دیدگاه های خود را با عبارت هایی که بیان گر محتوای باب است، گاهی با جمله خبری عام که چندین وجه را دربر دارد و گاهی با جمله خبری خاص که مرتبط با مسأله مطروحه باب است، مطرح کرده و به دیدگاه فقهی خود اشاره می کند. گاهی نیز عنوان را از حدیث باب انتخاب می کند، بدین معنا که کل متن حدیث باب یا قسمتی از آن را عنوان باب قرار می دهد. در بعضی از ابواب دیدگاه یکی از علما را در عنوان باب ذکر کرده و روایات مخالف آن را در باب می آورد و به نوعی آن دیدگاه را رد می کند. در برخی از موارد، عنوان باب از شأن نزول آیه یی که روایات مرتبط با آن گردآورده شده بحث می کند؛ یا عنوان باب تفسیر آیه یی کامل یا جزئی از آیه یی

است که در مورد آن بحث می‌شود؛ و مواردی دیگر از همین قبیل. استاد محمد عبدالله ابو صعیلیک در کتاب «الإمام الحافظ أبو حاتم محمد بن حبان البستی فیلسوف الجرح والتعديل» در رابطه با ابواب و تراجم امام ابن حبان به تفصیل سخن گفته و انواع آن را با ذکر مثال‌های بسیاری شرح داده است؛ خواننده‌گان محترم می‌توانند جهت استفاده و آشنایی بیش‌تر به این کتاب مراجعه نمایند.

ج: اظهار نظرهای حدیثی، فقهی، لغوی و ... در خلال روایات

مراد اظهار نظرهایی است که ابن حبان بعد از روایت هر حدیث ذکر می‌کند و می‌توان مجموع آن‌ها را به اقسام ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. اظهار نظرهای حدیثی؛ مثل بیان صحت یا ضعف حدیث، معرفی (جرح و یا تعدیل) راویان و دفع تعارضات و شبهات از حدیث؛

۲. اظهار نظرهای عقیدتی؛ که بیان‌گر مذهب کلامی ابن حبان است؛

۳. اظهار نظرهای فقهی؛ مثل بیان حلت یا حرمت، جواز یا عدم جواز، اباحت یا کراهت یک حکم فقهی؛ و نیز گاهی دیدگاه‌های سایر مذاهب فقهی را شرح می‌دهد؛

۴. اظهار نظرهای اصولی؛ چنان‌که پس از برخی روایات می‌گوید: این حدیث در فلان حکم فقهی به عنوان اصل و یا قاعده عمومی است؛

۵. اظهار نظرهای لغوی؛ این نظرها به اشکال مختلفی ارائه می‌شود، از جمله: شرح و معنای واژه گان مبهم و غیر متداول، معرفی شهرها و بلادی که نام آن‌ها در روایات می‌آید و ..

۶. اظهار مباحث تربیتی؛ مثل این روایت که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده: «الإيمان بضع و ستون شعبة، والحياء شعبة من الإيمان»، ابن حبان پس از نقل این روایت می‌گوید: «حیاء پرده و حایلی بین شخص و امور ممنوعی است که انسان را از پروردگارش دور می‌کند؛ گویا پیام‌بر صلی الله علیه وسلم با استفاده از لفظ حیاء، ترک ممنوعات را شعبه‌یی از ایمان اطلاق می‌کند» (بستی؛ ۱۴۰۸ق: ۱ / ۳۸۹).

این‌ها نمونه‌هایی از اظهار نظرهای ابن حبان در کتاب صحیحش بود و چنان‌که ملاحظه نمودید، تنوع خاصی داشته و از این ره‌گذر کتابش را بار علمی بیش‌تری بخشیده است (ابو صعیلیک؛ ۱۴۱۵ق: ۹۷-۱۱۴).

د: توجه به روایات اختلافی و دفع شبهات از آن‌ها

یکی از نکته‌های بارز آثار امام ابن حبان توجه به روایات متضاد و راویان اختلافی است، که گاهی روایاتی را که به ظاهر متضاد فهمیده می‌شوند و یا محدثان و متخصصان جرح و تعدیل در رابطه با

متن روایت و یا راویان، دیدگاه‌های متفاوتی دارند، ابن حبان در خلال روایت احادیث به دفع تضاد روایات و تأیید و یا رد نظرات علما می‌پردازد.

۲. شرایط ابن حبان در صحیحش

بدیهی است که محدثان بزرگ برای نقل روایات و ثبت و ضبط آن‌ها در آثار خویش، شرایط خاصی وضع کرده و بر اساس آن احادیث و روایات را پذیرفته یا رد کرده‌اند؛ در رابطه با ذکر شرایط ائمه حدیث، کتاب‌های مستقل بسیاری نوشته شده، از جمله: «شروط الأئمة في القراءة والسمع والمناولة والإجازة» از حافظ ابو عبدالله بن منده؛ «شروط الأئمة الستة» از حافظ محمد بن طاهر مقدسی؛ «شروط الأئمة الخمسة» از امام حازمی؛ هم‌چنین در ضمن برخی از کتاب‌های علوم و مصطلحات حدیث نیز مباحثی از شرایط ائمه حدیث ذکر شده است؛ امثال: «علوم الحدیث» از ابن صلاح؛ «النکت علی کتاب ابن صلاح» از ابن حجر و «تدریب الراوی» از سیوطی که این بیان‌گر اهمیت شرایطی است که محدثان در نظر داشته و زمینه را فراهم کرده اند تا دیگران براساس آن شرایط، آثارشان را ورنه‌انداز نموده و میزان موفقیت یا عدم موفقیت مؤلفان را بسنجند. برخی از محدثان شرایط خود را صریحاً در کتاب خویش بیان کرده اند، مثل ابو داود سجستانی در سنن، ترمذی در العلل الصغیر و ابن حبان در کتاب صحیحش و برخی دیگر شرایط خود را بیان نکرده‌اند، مثل امام بخاری و

ابن حبان در مقدمه کتابش شرایط خود را ذکر کرده و پنج عنصر مهم در قبول یا رد روایت را: عدالت راوی، امانت‌داری در حدیث، تعقل نسبت به مرویات، دانش در شناخت روایات محال و غیرممکن و سلامت خبر او از تدلیس می‌شمارد. و تأکید می‌کند که: «ما هیچ حدیثی را قبول نکرده‌ایم، مگر این که راوی آن این خصایص پنج‌گانه را دارا بوده است» (بستی؛ ۱۴۰۸ق: ۱ / ۱۰۳)؛ و پس از آن هر یک از شرایط پنج‌گانه فوق را به تفصیل شرح کرده است.

۳. استادانی که از آن‌ها در صحیح ابن حبان روایت شده

احمد مختار رمزی نویسنده کتاب «سیر اعلام المحدثین» به نقل از شیخ شعیب ارنأووط تعداد استادانی که ابن حبان بیش‌تر از همه از آنان روایت کرده را ۲۱ استاد ذکر کرده و به ترتیب کثرت روایات، آنان را چنین معرفی می‌کند: شیخ الاسلام حافظ ابو یعلی موصلی، ابو العباس حافظ حسن بن سفیان شیبانی خراسانی، علامه محدث ابو خلیفه فضل بن حباب جُمحی بصری، حافظ ابو محمد عبدالله بن محمد قرشی نیشابوری، محدث بزرگ ابو العباس محمد بن حسن لُحُمی عسقلانی، حافظ ابو حفص عمر بن محمد همدانی سمرقندی، محدث عابد ابو محمد عبدالله بن محمد مقدسی فِریابی،

شیخ الاسلام ابوبکر محمد بن اسحاق سلمی نیشابوری، محدث عابد ابوبکر عمر بن سعید طائی مَنبِجی، حافظ ابو اسحاق عمران بن موسی جرجانی سختیانی، حافظ محمد بن اسحاق سَرَّاج ثقفی، حافظ صادق بن عروبه سلمی حرَّانی جزری، حافظ حسین بن ادريس انصاری هروی، حافظ ابو جعفر محمد بن احمد نَسَوی رَیّانی، حافظ ابو علی حسین بن عبدالله قطان رقی، حافظ ابو الحسین محمد بن عبدالله رازی، حافظ عَبدان بن عبدالله جوالیقی اهوازی، شیخ الاسلام ابو جعفر احمد بن یحیی تُستری، محدث ابو عبدالله احمد بن حسن بغدادی و محدث اسحاق بن ابراهیم بُستی (خداوند از همه شان راضی باد) سایر استادان ابن حبان افرادی اند که تعداد روایات آنان از یک حدیث الی شصت حدیث می باشد (رمزی؛ ۱۴۲۶ق: ۳۲۴-۳۲۸).

۴. رتبه صحیح ابن حبان در میان کتاب‌های صحاح

کارشناسان و متخصصان علم حدیث، منابع حدیثی را بنابر صحت روایات و راویان دسته‌بندی کرده و سلسله‌مراتبی در نظر گرفته اند، که از این میان به اجماع اُمت اسلامی، بالاترین مرتبه به صحیح بخاری و صحیح مسلم اختصاص یافته است؛ اما در مرتبه بعدی کتاب‌هایی در نظر گرفته شده که مؤلفان آن‌ها نیز صحت روایات و راویان را نصب‌العین خود قرار داده اند و صحیح ابن خزیمه و صحیح ابن حبان از آن جمله هستند؛ حتا برخی از علماء، از جمله علامه سیوطی صحیح ابن حبان را از صحیح ابن خزیمه مقدم می‌داند (ارناؤوط؛ ۱۴۰۸ق: ۱ / ۴۲).

۵. ترتیب و تحقیق‌هایی که بر صحیح ابن حبان انجام شده

همان‌طور که قبلاً گفته شد، کتاب صحیح ابن حبان به صورت نوآورانه و مبتکرانه ترتیب شده بود، تا حفظ و تثبیت آن آسان‌تر باشد؛ لکن به مرور زمان همت‌های طالبان علم به ضعف گراییده و استفاده از صحیح ابن حبان با دشواری‌هایی روبه‌رو شد و حتا پیدا کردن روایت مورد نظر بسیار سخت شده بود؛ بنابراین، علامه علاءالدین علی بن بلبان فارسی در سال ۷۳۹ق. کتاب صحیح ابن حبان را بر پایه ابواب فقهی مرتب ساخت و نام آن را «لإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» گذاشت. بعدها هیثمی نیز روایات زائد بر احادیث صحیحین را از صحیح ابن حبان جدا کرده و در قالب کتابی به نام «موارد الظمآن الی زوائد ابن حبان» تألیف کرد. حافظ عراقی رجال صحیح ابن حبان را در کتابی گردآورد و آن را «رجال ابن حبان» نام نهاد.

آخرین نسخه‌یی که بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته و بارها از سوی ناشران مختلف به چاپ رسیده، نسخه «لإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» با تحقیق شیخ شعیب ارناؤوط است که در ۱۸ جلد همراه با ۲ جلد فهرست‌ها به چاپ رسیده و امروزه در بازارهای کتاب موجود است.

مذهب فقهی امام ابن حبان

امام ابن حبان بستی از حیث مذهب فقهی پیرو امام شافعی است. علامه عبادی شافعی وی را از طبقه چهارم علمای شافعی دانسته (عبادی؛ ۱۹۶۴م: ۱۰۱)، و تاج الدین سبکی و ابن قاضی شهبه و اسنوی نیز شرح حال ابن حبان را در طبقات فقههای شافعی ذکر کرده‌اند (ابو صعلیک؛ ۱۴۱۵ق: ۳۰)؛ البته این به معنای تقلید محض ابن حبان از امام شافعی نیست، بل که در پاره‌یی از مسائل و احکام فقهی، بنابر دلایل قوی‌تر، آرای سایر مذاهب را اختیار کرده است؛ چنان‌که از برخی اجتهادات وی در کتاب صحیح ابن حبان این قضیه درک می‌گردد.

ابن حبان و روزگار ابتلا و آزمایش

اگر شرح حال و زنده‌گی نامه ائمه و شخصیت‌های والا مقام مسلمان را مطالعه و بررسی کنیم، به نکته‌یی تأسف‌آور برمی‌خوریم که هم‌واره این بزرگواران از جانب معاصران خود مورد طعن و حسادت قرار گرفته و توطئه‌هایی خطرناک تا سرحد زندان، اخراج و حتا مرگ برای‌شان چیده شده است و دردآورتر این‌که منشأ اکثر این کشمکش‌ها، اختلافات لفظی ساده‌یی است که هیچ تقدیم و یا تأخیری در امور دین را در پی نداشته است.

امام ابن حبان بستی نیز از این معرکه بی‌نصیب نبوده و انتقادات توطئه‌آمیزی علیه ایشان صورت گرفته است؛ از جمله قضیه‌یی است که در حلقه درسش در نیشابور اتفاق افتاد و کسی از ایشان پرسید، نبوت چیست؟ وی در جواب گفت: نبوت علم و عمل است.

خواجه ابو اسماعیل عبدالله بن محمد انصاری هروی نقل کرده و گوید: «از عبدالصمد بن محمد شنیدم که از پدرش نقل می‌کرد: این قول ابن حبان «نبوت علم و عمل است» بر مردم گران آمد و او را زندیق خوانده و از شهر اخراج کردند؛ نیز قضیه را به حاکم نقل کرده و او دستور قتلش را صادر کرد» (صبیحی؛ ۱۴۳۱ق: ۲/ ۲۳۶). ابن حبان به ناچار نیشابور را ترک کرده و به سجستان رفت؛ اما دامنه این توطئه او را در سجستان نیز آرام نگذاشت و نهایتاً به بستی بازگشت.

اصل ماجرا این‌گونه بود که فلاسفه معتقد بودند، که نبوت از جانب خدا گزینشی نبوده و کسبی است؛ یعنی هرکس می‌تواند نبوت را کسب نماید. ابن حبان وقتی در تعریف نبوت گفت که علم و عمل است، او را به گرایش به باورهای فلاسفه متهم کرده و تکفیر کردند؛ درحالی‌که مراد ابن حبان بحث کمال بود که در نبوت کمال علم و عمل است و این از باب معرفی یک شیء با مهم‌ترین صفات آن است (آل شیخ؛ ۱۴۲۰ق: ۸۶)؛ چنان‌که وقتی از رسول خدا صلی الله علیه وسلم در رابطه با حج پرسیده

شد، فرمود: «الحج عرفة / حج عرفة است» (ترمذی؛ ۱۹۹۸م: ۲ / ۲۲۹). این بدان معنا نیست که حج فقط عرفة است و ارکان، شرایط و اعمال دیگری ندارد.

اتهام دیگری که به ایشان بسته شد، بحث کذب در روایات بود. حاکم نقل می‌کند، که باری در مجلس ابو حاتم بُستی حاضر شده و چند حدیث از ایشان شنیده و یادداشت کردم. ابو الفضل احمد بن علی سلیمانی بیکندی، که از علمای طراز اول شهر بیکند از توابع بخارا بود_ و روزگاری نزد ابن حبان زانوی تلمذ زده و از او کسب فیض کرده بود _ از من پرسید: آیا از مرویات ابو حاتم بُستی چیزی یادداشت کرده ای؟ گفتم: بله. گفت: از روایات او بهره‌یز و جایی نقل نکن؛ من او را از نزدیک دیده‌ام، چهره‌اش چهره دروغ‌گویان و سخنش سخن دروغ‌گویان است (حموی؛ ۱۹۹۵م: ۱ / ۴۱۹). این طعن سلیمانی مردود و خلاف آرای علمای جرح و تعدیل بود. شیخ شعیب ارناؤوط در مقدمه‌اش بر صحیح ابن حبان می‌نویسد: «بدتر از اتهام بدعت و زندیقیت، اتهام کذب است که برخی نسبت به او بسته‌اند؛ درحالی‌که وی پرده از احوال راویان ضعیف و متهم برداشته و شرایط راویان قابل اعتماد و تعدیل‌شده‌گان را بیان کرده است. لکن مقام و فضیلتی که داشت، در معرض حسد واقع شد و از جمله حاسدان برخی از راویان و حافظان بزرگ هستند، مثل ابو الفضل احمد بن علی بن عمرو سلیمانی بیکندی» (ارناؤوط؛ ۱۴۰۸ق: ۱ / ۷).

به عهده گرفتن منسب قضاء

بدیهی است که عالمان و دانش‌مندان مسلمان در کنار اشتغال به علم، تدریس و تألیف در قبال جامعه و اوضاع و احوال مردم نیز مسؤول اند، و باید برای اصلاح معیشت و رتق و فتق امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محاکم مردم تلاش ورزند. به همین منظور ابن حبان بُستی که جای‌گاه رفیع علمی و معنوی داشت، در میان امرا و حکام سامانی و مردم خراسان مورد توجه قرار داشته و بارها به سِمَت قضاء منسوب شد. به گفته سماعی ابن حبان مدتی در سمرقند، نسا و دیگر شهرهای خراسان به قضا پرداخته است (سماعی؛ ۱۳۸۲ق: ۲ / ۲۲۵).

ابو سعد ادریسی گفته است که ابن حبان مدت زیادی در سمرقند قاضی بود و امیر ابو المظفر سامانی برای او و شاگردانش و دیگر دانش‌مندان، در این شهر مدرسه‌یی بنا کرد (عسقلانی؛ ۲۰۰۲م: ۴۶ / ۷).

تأسیس خانقاه در نیشابور

از جمله مراکز عبادی و تربیتی رایج در خراسان قدیم، که به صوفیان اختصاص داشت و فقیهان و محدثان نیز در آن مجالس درس و سماع حدیث داشتند، خانقاه بود. ابن حبان هنگام بازگشت به

نیشابور در سال ۳۳۷ق. خانقاهی در نیشابور ساخت و تا سال ۳۴۰ق. که به زادگاه خود بَست برگشت، در این خانقاه به تعلیم و تربیت اصحاب خود پرداخت (سمعانی؛ ۱۳۸۲ق: ۲ / ۲۲۵). وی در این دوره از چنان شهرتی برخوردار بود، که طالبان علم و دانش از اقصای نقاط جهان اسلام به سویش می‌شتافتند تا در مجلس او از مصنفاتش بهره جویند.

تأسیس مدرسه و کتاب‌خانه در بَست

دوره چهارده ساله آخر حیات ابن حبان، یعنی از سال ۳۴۰ق. که از نیشابور به بَست بازگشت تا ایام پایانی عمرش در سال ۳۵۴ق. سراسر دوران پرتو افکنی علمی و معنوی، تألیف آثار و پرورش و تعلیم شاگردان بوده است. ابن حبان از دارایی شخصی‌یی که از میراث پدری و اشتغال به قضاء به دست آورده بود، در مسیر ترویج علم و آموزش نوباوگان مسلمان استفاده کرده و خانه شخصی خود را وقف مدرسه‌یی برای شاگردان خویش کرد، که به صورت رایگان با دریافت کمک‌هزینه تحصیلی در آن به فراگیری علم و دانش بپردازند و برای محصلان غریب و مسافر دار الاقامه‌یی تدارک دید. هم چنین تمامی کتاب‌های خود را در کتاب‌خانه‌یی وقف کرد تا دانش‌پژوهان و اهل تحقیق از آن استفاده کنند و به وصی خود نوشت که حق بیرون بردن کتاب از این کتاب‌خانه را ندارند (سمعانی؛ ۱۳۸۲ق: ۲ / ۲۲۶).

به این ترتیب، تأسیس مدرسه بَست توسط ابن حبان را می‌توان نخستین اقدام او در بنیادگذاری نهادهای آموزشی دانست، که از آن پس در خراسان و از آن جا به دیگر سرزمین‌های هم‌جوار راه یافت.

وفات امام ابن حبان

مقدرات خداوندی برای هر آفریده‌یی روز و لحظه زوال را مقرر کرده و طبعاً هر انسان نیز سرانجامی دارد. ابن حبان بَستی نیز پس از سپری کردن عمری پربار و کارنامه‌یی درخشان از دانش، سفرهای علمی، کسب فیض از استادان و فیض رساندن به شاگردان، تألیفات و آثار گران‌بهای علمی و خدمات فراوان دعوی، تربیتی و اجتماعی، روز موعود پرگشودنش به آسمان فرا رسید و شب جمعه بیست و دوم ماه شوال سال ۳۵۴ق. در شهر بَست دار فانی را وداع گفته و پس از نماز جمعه در جوار مدرسه و کتابخانه‌یی که تأسیس کرده بود، دفن شد (رمزی؛ ۱۴۲۶ق: ۳۱۰). خدایش بیامرزد و در بهشت برین معززش دارد.

نتیجه گیری

- نتایج این پژوهش را به طور خلاصه و نکته وار، می توان چنین بیان داشت:

 ۱. علامه ابن حبان بُستی از ائمه و نوابغ بزرگ حدیث است، که روزگاری از شهر بُست (شکرگاه) ولایت هلمند افغانستان سربرآورده از مفاخر جهان اسلام به شمار می آید؛ اما متأسفانه در عصر ما گم نام باقی مانده و اکثر هم عصران ما شناختی از ایشان ندارند؛
 ۲. سلسله نسب این امام همام به سلاله عربی از قبیله بنی تمیم می رسد، اما زادگاه، محل بودوباش و مدفن وی افغانستان است؛
 ۳. ابن حبان شخصیتی کثیرالسفر و جوینده بوده و توانسته با تحمل مشقتها به اقصی نقاط جهان اسلام سفر کند و از حدود دو هزار استاد و عالم آن روزگار کسب فیض نماید؛
 ۴. ابن حبان از حیث مذهب فقهی، پیرو امام شافعی بوده و از طبقه چهارم علمای شافعی به حساب می آید. لکن در پاره ای از مسائل فقهی آرای سایر مذاهب را اختیار کرده است؛
 ۵. وی تألیفات بسیاری در حوزه های علم رجال، علوم حدیث، علوم و معارف قرآن، تزکیه و تربیت و... داشته، که متأسفانه تعداد انگشت شماری از آنان دستیاب است و بخش اعظمی در گذر زمان ناپدید شده است؛
 ۶. مشهورترین اثر علمی علامه بُستی کتاب «صحیح ابن حبان» است که مشتمل بر بیش از ۷۵۰۰ حدیث بوده و پس از بخاری و مسلم در رتبه دوم کتاب های صحاح قرار دارد؛
 ۷. تألیف صحیح ابن حبان روشی مبتکرانه داشت و مثل سایر کتاب های صحاح و سنن به ترتیب ابواب فقهی گردآوری نشده بود، اما بعدها توسط علاء الدین بن بلبان فارسی ترتیب بندی شده و به نام «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» به چاپ رسید؛
 ۸. امام ابن حبان بُستی پس از عمری تلاش و تحمل مشقات، با کوله باری از دانش و دیانت در شهر بُست وفات کرده و در جوار مدرسه و کتابخانه ای که تأسیس کرده بود، دفن شد.

پیش نهادها

۱. معرفی شخصیت های مانده گار تاریخی، احیای تاریخ زرین یک ملت است، بناءً همه وظیفه دارند جهت معرفی مفاخر خود تلاش ورزند، خصوصاً نهادهای رسمی بی هم چون وزارت های محترم معارف، تحصیلات عالی، اطلاعات و فرهنگ و ..؛
۲. مؤسسات و نهادهای اکادمیک و علمی، دانش مندان و نویسندگان افغانستان باید جهت معرفی شخصیت های تاریخی، مفاخر این مرزو بوم و احیای مجدد میراث علمی آنان تلاش نموده و برنامه ای جامع و مستمر تدوین نمایند؛

۳. دانش گاه های افغانستان و خصوصاً دانش کده های شرعیات، ادبیات و تاریخ می توانند جهت احیای مجدد میراث علمی و شخصیت های تاریخی افغانستان، باز نویسی و تحقیق آثار آنان را به عنوان پایان نامه های مقاطع تحصیلی ماستری و دکترا به دانش جویان خود بسپارند.

سرچشمه ها

۱. ابن اثیر، ابو الحسن علی بن ابو الکریم. (۱۴۱۷ق). **الکامل فی التاریخ**. بیروت: دار الکتاب العربی.
۲. ابو صعلیک، محمد عبدالله. (۱۴۱۵ق). **الإمام الحافظ أبو حاتم محمد بن حبان البستی فیلسوف الجرح والتعديل**. دمشق: دار القلم.
۳. ارناؤوط، شیخ شعیب. (۱۴۰۸ق). **مقدمة** (الإحسان فی تقریب صحيح ابن حبان). بیروت: مؤسسة الرسالة.
۴. آل شیخ، صالح بن عبدالعزیز. (۱۴۲۰ق) **شرح عقيدة الطحاوية**. ریاض: مكتبة دار الحجاز.
۵. آملی، محمد بن الحسین. (۱۴۰۸ق). **التقييد لمعرفة رواة السنن والمسانيد**. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۶. ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۹۹۸م). **الجامع الكبير** (سنن ترمذی). بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۷. حموی، شهاب الدین أبو عبدالله یاقوت بن عبدالله. (۱۹۹۵م). **معجم البلدان**. بیروت: دار صادر.
۸. خمیس، عذاب بن محمود. (۱۴۰۵ق). **«الإمام محمد بن حبان البستی ومنهجه فی الجرح والتعديل»**. پایان نامه ماستری تعلیمات اسلامی (قرآن و حدیث) مکه مکرمه. دانش گاه ام القراء.
۹. ذهبی، شمس الدین أبو عبدالله محمد بن أحمد. (۱۴۲۷ق). **سير أعلام النبلاء**. قاهره: دار الحديث.
۱۰. _____ (۱۴۰۵ق). **تذكرة الحفاظ**. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۱. رمزی، احمد مختار. (۱۴۲۶ق). **سير أعلام المحدثين**. بیروت: دار البشائر الاسلامیة.
۱۲. سمعانی، عبدالکریم بن محمد تمیمی مروزی. (۱۳۸۲ق). **الأنساب**. حیدر آباد. دائرة المعارف العثمانیة.

۱۳. سیوطی، ابوالفضل عبدالرحمن بن ابو ابکر جلال الدین. (۱۴۲۴ق). **تدريب الراوی** (فی شرح تقریب النواوی). ریاض: دار العاصمة.
۱۴. شاکر، احمد محمد. (۱۳۷۲ق). **مقدمه** (صحیح ابن حبان). قاهره: دار المعارف.
۱۵. صبیحی، ابو انس ابراهیم بن سعید. (۱۴۳۱ق). **کتاب النکت الجیاد المنتخبه من کلام شیخ النقاد**. ریاض: دار طيبة للنشر والتوزیع.
۱۶. عبادی، محمد بن احمد. (۱۹۶۴م). **طبقات الفقهاء الشافعية**. هلند: مطبعه لیدن.
۱۷. عسقلانی، ابو الفضل احمد بن علی بن محمد بن احمد بن حجر. (۲۰۰۲م). **لسان المیزان**. بیروت: دار البشائر الاسلامیه.
۱۸. قفطی، جمال الدین ابو الحسن علی بن یوسف. (۱۴۰۶ق). **إنباه الرواة على أنباه النحاة**. قاهره: دار الفكر العربی.
۱۹. کردعلی، محمد. (۱۳۶۹ق). **کنوز الأجداد**. دمشق: مجمع اللغة العربیه.
۲۰. لکنوی، محمد عبدالحی. (۱۴۲۸ق). **الأجوبة الفاضلة للأسئلة العشرة الكاملة**. قاهره: دارالسلام للطباعة والنشر.
۲۱. معین، دکتر محمد. (۱۳۸۸ش). **فرهنگ فارسی معین**. تهران: نامن.